

صوراعظم محمد شاه و پرورش دهنده امیر کبیر و همچنین میرزا حسین خان سپهسالار (۱) دست پرورده امیر را در صف مردان نامی کشور ما قلمداد و استعدادشان را تا حدی بارز ساخت. این سه نفر از کسانی بوده اند که هر يك بنوبه خود در دوره هائی كه كشور ما دستخوش بحرانهای عجیبی بوده با اصلاحات اساسی پرداخته اند. و تمجیب اینجاست که بقدری در کار خود متهور بوده اند که وجود آنهمه مردمان مغرض و

۱ - مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار همان شخصی است که امیر کبیر در دوره صدارتش او را بسمت کار پرداز بمبئی منصوب نمود. و پس از کشته شدن امیر بسمت ژنرال کنسول تغلیس اعزام و خدمات جالب توجهی انجام داد بعداً وزیر مختار ایران در اسلامبول گردید و سپس وزیر جنگ شد و به سپهسالار ملقب گردید سپهسالار در مدت تصدی وزارت جنگ نقشه های اساسی برای تقویت ارتش کشید و مدرسه نظام را تاسیس نمود و بعداً در سال ۱۲۸۸ هجری قمری بصدارت عظمی ارتقاء یافت. این مرد همان شخصی است که ناصرالدین شاه را در مسافرت بارو پسا تشویق کرد تا در نتیجه با تمدن جدید اروپائی آشنا شود و در بسط معارف نوین در ایران بکوشد. وی در ۱۲۹۰ از صدارت معزول و پس از دو مرتبه عزل و نصب بخراسان مأمور و بسمت فرمانفرمای استان مزبور و نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب و در همانجا در سن ۵۷ سالگی بدستور ناصرالدین شاه و تحریکات مغرضین بوسیله قهوه مسموم گردید. از اینیه و آثار این مرد نامی مدرسه سپهسالار میباشد كه با توجه به سبك معماری مسجد ایبا صوفیه اسلامبول بنا شده و نیز عمارت بهارستان که فعلاً محل پارلمان میباشد.

(تبصره) در تهیه مطالب مربوط به شرح احوال امیر کبیر و اصلاحات و تأسیسات و عزل و تبعید و قتلش از مقاله جناب آقای عباس اقبال آشتیانی استاد دانشگاه مندرجه در مجله اطلاعات ماهیانه دی و بهمن و اسفند ۱۳۲۷ و همچنین از کتاب پر مغز فاضل محترم آقای حسین مکی نماینده مجلس شورای ملی استفاده شده و لازم بیاد آوری نیست که آقایان مزبور هر يك بسهم خود مطالب گرانیهائی را در دسترس خوانندگان قرار داده اند.

خامن استعمار طلب و مدعی و دشمن و حتی بیگانگان را بچیزی نمی شمردند و با فقدان وسائل و مخالفت های شدید اطرافیان لحظه ای از پای نمی نشستند. و تمام مساعی شان منحصر بر این بود که ملت و مملکت ایران را بکاروان تمدن جدید برسانند. اما افسوس که هر سه کشته شدند و عملیاتشان ناقص ماند و ایران عزیز فرسنگها از قافله تمدن جدید عقب مانده و مخصوصا در میان این سه نفر امیر کبیر از کسانی بوده است که با اصطلاح معروف باید چراغ دست گرفت و بجستجویش پرداخت، و شاید مادر وطن بعدها نتواند نظیر او را برای این سرزمین بوجود آورد.

شرح احوال امیر کبیر

میرزا تقی خان امیر کبیر فرزند محمد قربان فراهانی بوده که از عنفوان شباب خدمتگذار قائم مقام اول و ثانی بوده است. میرزا تقی خان از کودکی بر اثر هوش و استعداد ذاتی مورد توجه قائم مقام صدراعظم محمدشاه قرار گرفت. تا جائیکه در تعلیم و تربیتش سعی بلیغ مبذول و آینده درخشانی را برای او پیش بینی فرمود. پس از خاتمه تحصیلات بخدمت محمد خان زنکنه امیر نظام ولیعهد عباس میرزا درآمد. و کم کم آزموده و کاردان گردید و صفات حمیده اش توجه امیر نظام را بخود جلب نمود، بطوریکه حتی در کارهای سیاسی بسا وی مشورت میکرد.

امیر کبیر قبل از صدارت سه مرتبه به ممالک خارجه مسافرت کرد. یکی در موقعی که خسرو میرزا فرزند فتحعلیشاه در سال ۱۲۴۴ هـ برای عذر خواهی از قتل گری بایدوف (۱) بیابنتخت روسیه نزد امیراطور نیکلای اول، اموریت یافت و امیر

۱ - گری بایدوف نویسنده معروف روسی که در زمان فتحعلیشاه برای مبادله پیمان ترکمانچای بعنوان سفارت بایران آمده بود و در محله باغ ایلچی فعلی سکنی داشت، بر اثر سوء سیاحتی که در مورد استفاده از دوغفر زن گرمی که دیانت اسلام را قبول کرده بودند ابراز داشته بود مورد حمله متعصبین واقع شد و از پای درآمد.

در التزام رکاب بود و پس از بازگشت بمقام وزارت نظام عباس میرزا منصوب شد و سفر دیگر در سال ۱۲۵۴ هـ بود که امپراطور روسیه بقصد سرکشی از شهرهای قفقاز آمده بود و در ایروان با نامه‌ی محمد شاه را با آنجا دعوت کرد تا یکدیگر را ملاقات کنند. ولی محمد شاه که قصد لشکر کشی بهرات را داشت پس از مشورت با بزرگان دربار بالاخره ناصرالدین میرزا و ابی‌مهد را که در هفتمین مرحله حیات بود با عده‌ی از بزرگان کشور منجمله محمد خان زنکنه و میرزا تقی خان را برای ملاقات تزار بقفقاز اعزام داشت، و سفر سوم مشارالیه در سال ۱۲۵۷ هـ به عثمانی بود. زیرا عثمانیها در آن موقع به بندر خرمشهر حمله برده، در آنجا بقتل و غارت پرداخته بودند، و چرن محمد شاه تصمیم جنگ با آنها را داشت، بمیانجیگیری روس و انگلیس قرار بر این شد که چهار نفر از طرف ایران و عثمانی و روس و انگلیس با اختیارات تام در ادرالروم حضور یافته موضوع را بمسالمت بگذرانند. در اینجا امیر کبیر که در آن موقع وزارت نظام عباس میرزا را عهده دار بود بسمت نماینده ایران اعزام گردید.

در نتیجه این مسافرتها دامنه افکار میرزا تقی خان توسعه یافت و بطرح نقشه هائی برای عمران و آبادی و ایجاد تمدن جدید در ایران مبادرت ورزید.

(ابراز لیاقت امیر کبیر برای بتخت نشاندن ناصرالدین شاه و انتصاب

بصدارت عظمی)

در زمان قاجاریه چنین مرسوم بود که چون شاه ایران فوت میکرد فوراً انقلابی در سر تاسر کشور روی میداد و هر کس خود را وارث تاج و تخت میدانست فوت محمد شاه نیز با همین جریانات مواجه گردید. و هرگاه تدابیر امیر کبیر در کار نبود، ناصرالدین شاه موفق بگرفتن تاج و تخت نمیشد.

امیر کبیر همان مرد هدبری است که در اینمورد پس از رسیدن خبر فوت محمد شاه به تبریز بلا درنگ ناصرالدین میرزا را در آنجا بتخت نشاند و فوراً سی هزار

سپاه برای آوردن او بطهران مجهز نمود. و از نظر اینکه خزانه مملکت در آن موقع خالی بود باعتبار شخصی هزینه راه آنها را فراهم کرد. و بدین ترتیب موفق شد که قبل از وقوع شورش و انقلاب ولیعهد را در تهران بتخت بنشاند.

پس از جلوس ناصرالدین شاه بر سریر سلطنت میرزا تقی خان به امیر نظام ملقب و بعداً که شاه کفایت و کاردانی او را مشاهده کرد با وجود مخالفت های شدید و مدعیان بسیار در سال ۱۲۶۴ هجری قمری بمقام سدارت عظمی منصوب و اختیارات تامی بدو تفویض کرد و درازاه خدمات صادقانه و ابراز صمیمیت و حسن خدمت خواهر خود شاهزاده خانم عزت الدوله را هم بمقتد او در آورد.

اصلاحات امیر کبیر در شئون اداری کشوری و لشگری

موقمی که امیر کبیر بصدارت منصوب شد مشاهده کرد، که بدون اقدام به اصلاحاتی چند وضع کشور مرتب نخواهد شد

این بود که بدراً اعمال و حکام نالایق را عزل و مردمانی صلاحیتدار بجایشان برگماشت، و در حقیقت کار را بکاردان سپرد. و نظم و ترتیب را چنان برقرار ساخت که کمتر کسی در مقام شکایت بر میآمد. گویند روزها میگذشت و احدی برای شکایت و تقدیم عرضحال بامیر کبیر مراجعه نمیکرد. آنگاه هزینه کشور را که در موقع سدارتش دو کرور تومان افزون بود بر اثر الغاء طرز وصول مالیات و استقرار اصول ممیزی بطور عادلانه؛ و الغاء برخی از مالیاتهای بی موضوع، و وضع مالیاتهای متناسب، و تقلیل مخارج دربار و مستمریها؛ و حتی حقوق پست خویش؛ و جلوگیری از بخشش های بیمورد شاه، و انحصار حقوق مقام سلطنت بمیزان معین؛ و کوتاه کردن دست اخاذان و متعلقان تعدیل کرد، در نتیجه این حسن تدبیر در ظرف مدت قلیلی در آمد کشور بر هزینه اش برتری یافت. چنانکه این اقدامات اساسی از مضامین نامه هائی که بهنوان شاه نوشته کاملاً با رزوهویداست، پس از تعدیل هزینه بااصلاحات اقتصادی پرداخت. و نخستین اندیشه ای که در این راه بخاطرش رسید همانا افزایش صادرات و غلبه دادن آن بر واردات بود.